

<https://www.aftabekherad.ir>

**ISIS (Islamic State Group);  
Behavioral Patterns and Their Conflicts with Religious  
Principles**

Political Assistant

**Received: 2016/04/30**

**Accepted: 2016/05/14**

**Abstract**

The behavior of the ISIS (Islamic State) group towards the people of the occupied territories, prisoners of war, followers of Islamic sects and religious minorities, along with suicide bombings, questions the attribution of this behavior to Islamic tradition. Taking into account the assumption that the behavioral pattern of the groups is influenced by the values, beliefs and theoretical and epistemological structure that governs the group, the present study examines the grounds for the formation of ISIS in relation to al-Qaeda, tribal and kinship ties, military support left over from the Iraqi army during the Saddam era and the immigrants. By analyzing the components of ISIS ideology consisting of Salafi teachings, Wahhabi approaches, the Baath Party and their role in designing a desired identity system, it attempts to compare ISIS behavior on the axes of ijihad, Islam/kufr, and jihad with the tradition of the Prophet of Islam (PBUH). By insisting on implementing Sharia, ISIS explains today's conditions in relation to the events of early Islam in such a way as to guarantee the group's credibility and legitimacy and its hegemonic superiority over other competitors. Criticizing its approach and behavior and adapting it to its doctrinal approaches and beliefs can be a key to recovering the intellectual infrastructure of this movement.

**Keywords:** Islamic State group, behavioral patterns, Salafism, neo-Salafism, Wahhabism, Baathism

## داعش (گروه دولت اسلامی)؛ الگوهای رفتاری و تعارضات آن با مبانی دینی

معاونت سیاسی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۱۱

### چکیده

رفتار گروه داعش (دولت اسلامی) در قبال مردم سرزمین‌های تحت اشغال، اسیران جنگی، پیروان مذاهب اسلامی و اقلیت‌های مذهبی، به همراه بمب‌گذاری‌های انتحاری، نسبت‌بندی این رفتار با سنت اسلامی را به پرسش می‌کشد. بررسی حاضر با در نظر گرفتن این فرض که الگوی رفتاری گروه‌ها، متأثر از ارزش‌ها، اعتقادات و ساختار نظری و معرفتی حاکم بر گروه است، به زمینه‌های شکل‌گیری داعش در نسب با القاعده، پیوندهای قبیله‌ای و خویشاوندی، پشتوانه‌های نظامی بازمانده از ارتش عراق در دورهٔ صدام و مهاجران می‌پردازد و از راه تحلیل مؤلفه‌های ایدئولوژی داعش مرکب از تعالیم سلفیه، رویکردهای وهابیت، حزب بعث و نقش آنها در طرح‌ریزی نظام هویتی مطلوب، می‌کوشد تا رفتار داعش را در محورهای اجتهاد، اسلام/ کفر، جهاد، با سنت پیامبر اسلام (ص) مقایسه نماید. داعش با اصرار بر اجرای شریعت، شرایط امروز را در تناظر با وقایع صدر اسلام چنان تبیین می‌کند تا ضامن اعتبار و مشروعیت گروه و برتری هژمونیک آن بر سایر رقیبان باشد. نقد رویکردی، رفتاری و تطبیق آن با رویکردها و باورهای اعتقادی در بازیابی زیرساخت‌های فکری این جریان می‌تولند گره‌گشا باشد.

**کلیدواژه‌ها:** گروه دولت اسلامی، الگوهای رفتاری، سلفیه، نوسلفی‌ها، وهابیت، بعثیسم

## مقدمه و بیان مسأله: داعش و الگوهای رفتاری

مرگ ابومصعب زرقاوی در تابستان ۲۰۰۶ م. نه تنها نقطه پایانی بر تداوم فعالیت‌های تروریستی تشکیلات توحید و جهاد در عراق نبود، بلکه با ظهور و اوج‌گیری فعالیت دو شکل شورشی دیگر - تنظیم‌القاعده (شاخه القاعده عراق) و شورای مجاهدین - همراه شد که در طول سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ پیامدهای فراوانی بر فعل و انفعالات منطقه بر جای نهاد. سازمان توحید و جهاد در ابتدا با حمایت القاعده در اردوگاه‌های جهادگرایان در افغانستان پایه‌گذاری شد و مدتی بعد، در انتقال به منطقه شامات و نهایتاً استقرار در عراق، روابط پرتنشی را بر سر تعیین اولویت‌ها و استراتژی مبارزه با القاعده تجربه کرد، بی‌آنکه وابستگی آن به القاعده از سوی بن‌لادن هرگز مورد تردید قرار گیرد یا نفی شود. پس از مرگ زرقاوی نیز، القاعده بلافاصله جانشین او را به نام مشخص کرد تا ابتکار عمل فعالیت‌های تروریستی منطقه هم‌چنان در کنترل آن گروه باقی بماند (Nasr, 2006). شورای مجاهدین که اساساً تشکیلاتی مبتنی بر ائتلاف گروه‌های جهادی مرکب از نیروهای بومی به رهبری ابو عمر بغدادی بود (سلف ابوبکر بغدادی)، در روند گسترش بعدی خود تا سال ۲۰۱۰ م. به تشکیلات دولت اسلامی در عراق و شام (داعش)، تغییر نام یافت. این درست زمانی بود که گروه شورشی دولت اسلامی با شدت بخشیدن به عملیات بمب‌گذاری انتحاری علیه مردم عادی و شیعیان، اشغال غافلگیرانه مناطق حساس شهرهای سنی‌نشین، تخریب زندان‌ها و آزادی زندانیان، گروگانگیری خبرنگاران و اتباع بیگانه و ... روی آورده بود و همزمان ایده تجدید سازمان گروه و جذب اعضای جدید را دنبال می‌کرد. هدف بعدی گروه، چنانچه روند تحولات نشان داد، اشغال شهرهای استراتژیک در عراق و پیشروی به سوی سوریه بود.

ظهور گروه دولت اسلامی در عراق و پیشرفت اولیه این گروه در دستیابی به برخی اهداف و مواضع، آنهم با به‌کار بستن اعمال و تاکتیک‌های جنایتکارانه و هولناک در کنار طرح متصلبانه‌ای از ایدئولوژی متأثر برداشتی از تعالیم اسلامی به روایت اهل سنت (سلفی - وهابی)، پرسش‌های مهمی را پیش روی افکار عمومی مطرح کرد: الگوهای رفتاری داعش را تا چه اندازه می‌توان با مبانی عقیدتی اسلام به روایت اهل سنت تطبیق داد؟ آیا اسلام منادی خشونت در ابعاد رفتاری داعش است؟ چگونه یک گروه تروریستی در ابعاد داعش، توانسته است مبانی عقیدتی اسلام را در جهت توجیه اعمال و اقدامات جنایتکارانه به کار گیرد؟ پیامد انتساب رفتارهای داعش به مبانی عقیدتی اسلام چیست؟ و بالاخره، الگوی رفتاری داعش با مبانی عقیدتی و بنیان‌های دین اسلام چه تعارضاتی دارد؟ در نوشتار حاضر با تبیین زمینه طرح این پرسش‌ها، سعی بر آن است که راهی برای

نگرش و اندیشیدن به این قبیل پرسش‌ها هموار شود و در مسیر پاسخ‌گویی بدان‌ها قدم برداشته شود.

## ۱- زمینه‌ها و پیوندهای تشکیلاتی

الگوهای رفتاری داعش، به مانند هر گروه یا اجتماع دیگر انسانی، ریشه در روال‌های حاکم بر تشکیلات و ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های حاکم بر گروه دارد. از این‌رو، توجه به نحله‌های تشکیلاتی و ایدئولوژیک تأثیرگذار بر ساختار، استراتژی و ذهنیت عملیات‌گرای داعشیان، پاسخ‌های روشنی برای «چرایی» و «چگونگی» رفتار آنها فراهم می‌سازد.

تمایل غلب بر آن است که گروه‌های جهادی فعال در منطقه خاورمیانه را دست کم از نظر تشکیلاتی و ایدئولوژیک به القاعده منتسب نمایند. تردیدی نیست که القاعده چه در مقام یک گروه جلودار و الهام‌بخش و چه در مقام واسطه‌گری انتقال تجارب آموزشی، تجهیزات لجستیکی، منابع مالی به گروه‌های جهادی نقش مهمی در شکل‌گیری آنها ایفا کرده است؛ اما تأکید بر تأثیرگذاری القاعده و تأثیرپذیری جریان‌های شورشی از آن، مانع از شناخت ریشه‌های پنهان شکل‌گیری جهادگرایان (از جمله داعش و القاعده) و اندیشه‌های غیراسلامی تأثیرگذار بر ایدئولوژی، الگوهای رفتاری و کنش‌های آنان خواهد شد. به‌خصوص آنکه القاعده را معمولاً یک گروه شبه‌مدرن سلفی - وهابی تلقی می‌کنند که رخنه عقید و هابیت در لیدئولوژی آن، موجب تمایزش از اخوان الصفا و نظایر آن است.

از نظر تشکیلاتی گروه موسوم به دولت اسلامی، به نحو بارزی از ساختارها و شیوه‌های سازمان‌دهی چهار جریان اصلی تأثیر پذیرفته است. این جریان‌ها عبارت‌اند از:

۱. القاعده: این گروه از نظر تشکیلاتی، تأثیرگذارترین جریان بر جهادگرایان دو دهه گذشته است؛ پیوستن ایمن الظواهری به بن‌لادن، عملاً نشانه‌ای نمادین از ائتلاف تندرهای اخوان المسلمین با القاعده بود که در لایه زیرین از اتحاد سلفی - وهابی حکایت می‌کرد؛

۲. پیوندهای قبیله‌ای و خویشاوندی: ترکیب اجتماعی عراق به ویژه در بخش‌های حاشیه‌ای، هنوز از ساختار کهن عشیره‌ای تبعیت می‌کند. شورای مجاهدین که در سال ۲۰۰۵ اعلام موجودیت کرد، اساساً از ترکیب عشایر و قبایل مناطق سنی‌نشین عراق (نیروهای بومی) در قالب مجمع الطوائف عربی تشکیل شده بود، (مصطفی، ۱۳۹۴: ۶۲-۶۰)؛

۳. **نظامیان:** بخش مهمی از نیروهای داعش که غالباً پیکره اصلی تشکیلات گروه را قوام داده‌اند، افسران بازمانده از ارتش سابق عراق‌اند؛ مدیریت نادرست این نیروها موجب شد که طرح پاکسازی و انحلال ارتش عراق، عملاً فرصت سازمان‌دهی را برای نیروهای جهادی و شورشیان فراهم سازد. در این میان، داعش با جذب نظامیان، تجارب جهادگرایان را با نظامی‌گری درآمیخت و ترکیب هولناکی از عملیات انتحاری و تخریبی پدید آورد؛

۴. **مهاجران:** بخش قابل توجهی از نیروهای گروه دولت اسلامی با ملیت‌های عرب، عرب‌تبار (متولد کشورهای غیر عربی) و مسلمان (نه لزوماً عرب)‌اند. وجه مشترک این نیروها، برخورداری از تجارب زیستی، تحصیلی در کشورها و محیط‌های غیر عرب است. بخشی از این نیروها از سابقه زندگی در کشورهای غربی برخوردارند و احتمالاً سبک زندگی غربی را پذیرفته و تجربه کرده‌اند. گرچه اهمیت این نیروها برای داعش، مهارت‌ها، دسترسی‌ها و قابلیت نفوذ در مراکز و مجامع کشورهای غربی است، وجود آنها ساخت اجتماعی اعضای گروه دولت اسلامی را از یک‌دستی زیستی - هویتی دور می‌کند.

## ۲- شاکله ایدئولوژی

به موازات ساختارها و ترکیب اجتماعی اعضای گروه دولت اسلامی، ساخت ایدئولوژی گروه نیز تلفیقی از نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های ناهمگون مؤثر بر عملکرد و الگوهای رفتاری گروه را آشکار می‌کند. از این دیدگاه، جستجوی آبخشورهای فکری گروه دولت اسلامی به گرایش‌ها و منابع فکری زیر ختم می‌شود:

۲-۱. **تعالیم و آموزه‌های سلفی:** تعالیم سلفیه که تحت تأثیر نفوذ آراء و افکار ابن تیمیه (متوفی ۱۳۲۸ م / ۷۲۸ ق) در بخش‌هایی از جهان عرب و سنی‌مذهب رواج دارد بر بازگشت به سنت پیامبر اسلام (ص) و عمل صحابه و تابعان تأکید می‌کند. نزد سلفیان عقل (عقل مقدم بر نقل) و فلسفه سرمنشأ انحراف است (زریاب، ۱۳۷۴: ۱۸۱-۱۷۸). آنها عقاید برخی مذاهب اسلامی بویژه تشیع را بدعت می‌شمارند. گرایش به حدیث و اخباری‌گری، رویکرد غالب سلفیه است و می‌کوشند تا فهم خود از عقاید اسلامی را بر منابع روایی اهل سنت، مانند سفیان ثوری، بخاری، مسلم و دیگر اصحاب حدیث مستند نمایند. سلفیه در مسائل مستحدثه یا آنچه در روزگار سلف، شایع و رایج نبود از روش و منش ابن تیمیه، ابن قیم جوزی و ... پیروی می‌کند. با وجود آنکه بر سر معنای سلف و رویکردهای آنان در مسائل عقیدتی و احکام، میان علمای اهل سنت اتفاق نظر نیست، مهم‌ترین

ویژگی سلفیه را پیروی از آراء، افکار و منش پیامبر اسلام (ص)، صحابه و تابعان در انطباق با کتاب و سنت می‌دانند (الله‌بداشتی، ۱۳۸۶: ۹۳). از دید منتقدان، گرایش سلفیه به سه قرن اول اسلامی و استنباط قواعد و روش‌هایی از عملکرد صحابه و تابعان در آن دوران و تعمیم آن به دوره‌های دیگر، فاقد مبانی روش‌شناسی روشنی نزد علمای همه مذاهب و شعب اسلامی است؛ و اصرار آنان بر دسته‌بندی مسلمانان به سلفی یا اهل بدعت با سیره پیامبر اسلام، ائمه و حتی صحابی انطباق ندارد.

چارچوب اصلی نگاه سلفیه توسط ابن تیمیه (۶۶۱-۷۲۸ ق) و ابن قیم (۶۹۱-۷۵۱ ق) در دوره‌ای شکل گرفت که خلافت عباسی پس از تحمل ضربات سختی از سوی صلیبی‌ها، در برابر هجوم مغولان از پا در آمده و انسجام جامعه اسلامی گسسته بود. از این‌رو، مرزبندی مسلمانان با کفار و سلفی‌ها به اصطلاح با اهل بدعت به مفهومی کانونی در اندیشه آنها تبدیل شد. در دوره جدید، پس از سقوط خلافت عثمانی، نویسندگان و نظریه‌پردازان اسلامی مانند رشید رضا، سید قطب و ... به بازسازی روایت جدیدی از سلفی پرداختند که در آن مرزبندی با اندیشه‌های الحادی و ایدئولوژی‌های مادی و سکولار پررنگ‌تر است و بر مشی سیاسی و جهت‌دهی به رفتار جهادگرایان اسلامی مؤثر بوده است.

**۲-۲. وهابیت:** طی قرن هفدهم میلادی، مقارن با ضعف حکومت عثمانی در اداره سرزمین‌های عربی، محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵-۱۲۰۶ ق) با رجوع به آراء و تعالیم ابن تیمیه و تبلیغ آن در نجد، زمینه قدرت‌گیری و پایه‌گذاری حکومت آل سعود را فراهم کرد. عبدالوهاب در طرح مجدد آراء ابن تیمیه، بر ظاهر کلام و عدول از تأویل تأکید کرد و برخی عقاید و آداب مذهبی را (مانند زیارت مزار پیشوایان دین) مخالف شریعت دانست و به تکفیر مسلمانان مخصوصاً شیعیان پرداخت (Holes, 2002: 39-47). شکاف‌افکنی میان مسلمانان و تغییر جهت ستیز با کفار و بیگانگان به دشمنی با پیروان برخی مذاهب اسلامی، مهم‌ترین میراث وهابی برای جهادگرایان است.

**۲-۳. بعثیسم:** ایدئولوژی بعث، حزب رسمی حاکم بر سوریه امروز و عراق در زمان ریاست جمهوری البکر و صدام حسین، آمیزه‌ای از مرام اشتراکی (سوسیالیسم)، قوم‌گرایی و وحدت عربی است. مرام بعثی در سوریه، زمان اشغال این کشور توسط فرانسوی‌ها شکل گرفت و نقش مؤثری در مبارزه استقلال‌طلبی ایفا نمود. تأکید بر اتحاد عربی و تشکیل امت عربی، آزادی اعراب از چنگ استعمار و تجدید ارزش‌های قومی و به حکومت رساندن آنها، از جمله عناصر مرام بعثی بود. «مراد از امت عربی، تشکیل واحد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تجزیه‌ناپذیری است که هیچ کشور عربی از آن بیرون نماند» (آذرنگ، ۱۳۹۳). ایدئولوژی بعثی با ایجاد پیوند میان ملیت، قوم‌گرایی و سوسیالیسم و نزدیک شدن به زبان افکار و مرام‌های دوره مدرن، «وحدت عربی را به دور از نظریات

سیاسی غربی به اعراب عرضه می‌داشت که (...) با سوسیالیزم و کمونیسم اروپایی بکلی متفاوت بود» (آذرننگ، ۱۳۹۳). در ایدئولوژی بعث، اسلام نه چون یک دین، بلکه در رویارویی با بحران تشیت اعراب، همچون «یک پاسخ، جنبش یا فرهنگ و حتی یک تجربه مشترک» می‌توانست یا هنوز هم می‌تواند در خدمت همبستگی عربی قرار گیرد (میشل عفلق، فی سبیل البعث، نقل در: موجانی، ۱۳۹۴: ۵۷).

### ۳- چارچوب رفتاری داعش

رفتار داعش با مردم از یک الگوی پیچیده مبتنی بر نوعی تقسیم‌بندی چندوجهی پیروی می‌کند. چارچوب این تقسیم‌بندی در روند شکل‌گیری هویت سیاسی و اجتماعی گروه ساخته می‌شود. هویت در این معنا، ترکیب «مضمون‌های درهم‌آمیخته و جدایی‌ناپذیر شباهت و تفاوت انسانی در خلال عمل اجتماعی است» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۵۳). ساخته شدن هویت منوط به آن است که شباهت‌ها و تفاوت‌ها به طور مستمر و به طور سازمان‌دهی شده (از طریق آموزش، تبلیغات، سبک زندگی و ...) مورد تأکید و بازنگری قرار گیرد. هرچه گستره روابط و تعاملات اجتماعی وسیع‌تر باشد، شباهت‌ها از اشکال مادی به موقعیت‌های نمادین می‌گرایند. عواملی چون قومیت، مذهب، تاریخ و شیوه‌های زندگی (شهرنشینی، قبیله‌ای، روستایی و ...) درون ساخت اجتماعی، تفاوت‌ها را پدید می‌آورد. بنابراین، هویت فردی و گروهی به واسطه اعمال نظام اجتماعی تفاوت و نظام نمادین شباهت ساخته می‌شود.

اکنون ببینیم گروه دولت اسلامی، هویت مطلوب خود را چگونه خلق می‌کند. همان‌طور که مطرح شد، لازمه ساخته شدن هویت مطلوب، فعال کردن سامانه‌های تفاوت‌گذاری و شباهت است. هویت مطلوب داعش نتیجه فعال کردن زمینه‌های تاریخی، قومی و اعتقادی سامانه تفاوت در عرصه بین‌المللی، منطقه‌ای، درون‌دینی و حتی درون پیروان اهل سنت و جماعت بوده است. در عرصه بین‌المللی، داعش برای آنکه جهت تفاوت‌گذاری را از تمایز مسلمان/ غیرمسلمان، به سوی مسلمان/ کافر بگرداند، ظاهراً مشکل چندانی نداشت. قبل از آن، القاعده با الهام‌پذیری از دیدگاه‌های سلفی، به خصوص روایت سید قطب از جاهلیت و جاهلیت مدرن، مرز اسلام و کفر را به عرصه قدرت‌های جهانی تعمیم داد. حمله آمریکا به افغانستان و عراق و حمایت ائتلافی از برخی افراد جوامع اسلامی در کشورهای همسوی با آن کشور، فضای دوقطبی جنگ میان اسلام/ کفر را برای جهادگرایان به خوبی تثبیت کرد. بر پایه همین تلقی، گروه دولت اسلامی با اطمینان خاطر از تقسیم

«جهان به دو جبهه و دو سنگر» دم می‌زند. «جبهه سومی وجود ندارد: جبهه اسلام و ایمان و جبهه کفر (بی‌اعتقادی) و ریاکاری؛ جبهه مسلمانان و جبهه یهودیان و مسیحیان و متحدانشان و سایر ملت‌ها و مذاهب کفر که توسط آمریکا و روسیه هدایت می‌شوند...» (Dabiq, 1435, No 1: 7). با چنین نگرشی روشن است که گروه دولت اسلامی، شهروندان کشورهای غربی را داخل در جرگه کفار می‌داند و از ریختن خون آنان ابایی ندارد.

تحولات پس از سقوط امپراتوری عثمانی در قرن بیستم و متعاقب آن توافق استعماری سایکس - پیکو<sup>۱</sup>، که در سال ۱۹۲۰ میلادی با تشکیل جامعه ملل رسماً عملیاتی شد، از نظر تاریخی نگاه داعش به آمریکا و قدرت‌های جهانی را نزد بخش مهمی از جامعه عرب، پذیرفتنی جلوه می‌دهد. در عرصه منطقه‌ای، داعش و جهادگرایان تکفیری، با شمار قلیلی از غیرمسلمانان (مسیحی، یهودی و ...) و اکثریت مسلمان روبرو بودند. اقلیت‌های دینی، اگر به قدرت داعش تمکین کنند، جزو اهل ذمه‌اند، چنانکه از پرداخت ذمه استنکاف کنند، با آنان به مانند حربیان یعنی نیروهای آمریکایی و متحدان رفتار می‌شود. اکثریت مسلمان نیز در نگاه اول، یا اهل سنت و جماعت‌اند، یا به دیگر مذاهب و فرق اسلامی تعلق دارند. دسته‌آخر از دید داعش، به خصوص اگر از اهل تصوف یا فرق شیعی (امامی، زیدی، غلات و...) باشند با شاغول سلفی - وهابی، مشرک<sup>۲</sup> شناخته می‌شوند و دست گروه برای برخورد با آنان بسیار باز خواهد بود. داعش و جهادگرایان تکفیری برای تشدید شکاف با شیعیان، از سابقه پرتنش و پرمنازعه‌ای سود می‌جویند که از زمان ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم جوزی شروع شده و در قرن بیستم با تبلیغات وهابیون و سپس آرا نویسندۀ پرنفوذ سلفی محمدرشید رضا، ادامه یافته است.<sup>۳</sup>

رضا در دوره‌ای که امپراتوری عثمانی رو به زوال می‌نهاد و بیم آن بود که تحت نفوذ قدرت‌های استعماری، ایدئولوژی‌های دنیوی (ناسیونالیسم، مارکسیسم و ...) و مدلی از حکومت غیر اسلامی (مانند مشروطه سلطنتی) در سرزمین‌های عربی رخنه کند و توسعه یابد، ایده‌احیای حکومت

<sup>۱</sup>. مطابق پیمان سایکس - پیکو میان کشورهای انگلستان و فرانسه (۱۹۱۶م)، کنترل سوریه، لبنان و به طور کلی منطقه شامات به فرانسه و کنترل بین‌النهرین، اردن و فلسطین به انگلستان واگذار گردید. (Encyclopedia Britannica: Sykes-Picot Agreement).

<sup>۲</sup>. در منشورات گروه دولت اسلامی، ضمن اینکه شیعیان، رافضی و مشرکانند، گاه «مرتد» نیز توصیف شده‌اند. قضاوت داعش مبنی بر ارتداد شیعیان، به واسطه زرقاوی! از منابع اهل سنت نقل شده است: «شیخ مصعب ابن زرقاوی گفت: بنابر اظهارات سلف کفر رافضی‌ها بسیار آشکار است؛» برای مستند کردن اظهارات زرقاوی، از قول احمد بن حنبل و او از قول احمد ابن یونس، نقل می‌کند که «رافضی مرتد است» (dabiq, 1436, no 6: 19). داعش در حالی به زرقاوی و از طریق زرقاوی به منابع اهل سنت ارجاع می‌دهد که در پیشینه تربیتی زرقاوی، جز فعالیت‌های آشوب‌طلبانه، بزهکاری و آموزش‌های شبه‌نظامی، هیچ نکته‌ای مبنی بر کسب آموزش‌های اسلامی درج نشده است.

<sup>۳</sup>. دیدگاه‌های رضا در السنه و الشیعه، مبنی بر تحریف و مشوه جلوه دادن عقاید شیعه، نشانه‌ عدول از اولویت تمایزگذاری میان مسلمان/ غیرمسلمان، به تمایزگذاری میان سنی/ شیعه است. (رک: رضا، ۱۹۴۷ و نیز، نقد آن در: امینی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۲۶۶-۲۸۷؛ و همو، ۱۳۸۷: ۹۸ به بعد).

اسلامی را منطبق با الگوی صدر اسلام به گونه‌ای مطرح کرد که لازمه تحکیم وحدت عربی اسلامی بود. «رضا خلافت را مظهر پیوستگی دین و دولت در اسلام می‌دانست و تحقق همه آرمانهای این جهانی اسلام را به آن وابسته می‌دید» (عنایت، ۱۳۵۶: ۱۵۸)؛ اما در حالی که انتظار می‌رفت، در چارچوب ایده وحدت عربی، تمایز مسلمانان از نامسلمانان را اولویت اصلی مبارزه سیاسی اجتماعی بدلند، با گریز به مبانی عقیدتی پیروان مذاهب اسلامی و حتی تحریف عقاید آنان، راه را به روی عبور از تفاوت به تفرقه در میان مسلمانان گشود. برای نمونه، در اوج هرج و مرج عراق در سال‌های منتهی به جنگ جهانی اول، در همراهی آشکار با منافع سیاسی و هابیان اعلام کرد: «آشفتنگی عراق همواره از جانب رافضیان است، خاکش را به زهر گمراهی‌شان می‌آلیند و بر نکبت مسلمانان شادی می‌کنند حتی روز پیروزی سپاه روس بر مسلمانان را جشن می‌گیرند و ایرانیان شهرهای‌شان را در این روز، به شادی و سرور تزیین می‌کنند»، (رضا، ۱۹۴۷: ۵۴، ر ک به: امینی، ۱۳۸۷: ۹۸) و از محبت شیعیان نسبت به اهل بیت (ع) اظهار شگفتی می‌کند (رضا، ۱۹۴۷: ۵۵). بر زمینه دیدگاه محمدرشید رضا و دیگر نویسندگان متأثر از وهابیت، در دهه گذشته، زرقاوی توانست شکاف شیعه/ سنی را به عنوان بخشی از استراتژی تسری ناآرامی‌ها در عراق به کار بندد (مصطفی، ۱۳۹۴: ۲۳۰-۲۲۹) و پس از او به طور گسترده توسط داعش رواج یابد.<sup>۱</sup>

آخرین فرازی که به شرح کارکرد سامانه تفاوت‌گذاری نزد داعش اختصاص می‌یابد، جایی است که با تحریف و طرد پیروان مذاهب متعدد اهل سنت، راه یکدست کردن باورها، نگرش‌ها و کنش پیروان هموار می‌شود. به رغم تمامی تلاش‌ها از سوی جهادگرایان تکفیری، اکثریت اهل سنت در عراق و جهان عرب، هرگز با آنان همراه نشدند. گرچه دلایل عدم همراهی متعدد است و آن را نمی‌توان به یک عامل فروکاست، نحوه برخورد داعش با مسلمانان از جمله اهل سنت، برخی از عوامل مؤثر در این فرآیند را تبیین می‌کند.

یکی از مشهورترین رهبران گروه‌های جهادی که در تعمیق شکاف میان مسلمانان از مذاهب مختلف شیعه و سنی فعال بود، ابومصعب زرقاوی است. وی پس از اشغال عراق توانست توجه مسلمانان را از ایده مبارزه با اشغالگران آمریکایی، به راه‌اندازی شورش‌های گسترده و جنگ مذهبی منحرف کند. تردیدی نیست که اقدام او در جهت تعمیق ناآرامی‌ها در منطقه بود. ستیزهای مذهبی

<sup>۱</sup> مقاله «صفوی‌ها چه کسانی هستند؟» (Dabiq, 1437, No 13: 10-12)، یکسره حاوی تحلیلی مغرضانه از تاریخچه گرایش مردم ایران به شیعه دوازده امامی و نقش دولت صفویه در قدرت‌گیری شیعیان است. نویسنده با تأکید بر اینکه شیعیان ایرانی بازماندگان نسل صفویه هستند، می‌افزاید: «صفویه هیچ ربطی به اسلام ندارد بغیر از ممانعت عامه مردم از اجرای دستورات اسلام؛ دولت رافضی خود را پشت میراث فرهنگی فاسد سرشار از نفرت به اهل سنت پنهان کرده است، مهم این است که با این میراث ستمکارانه که اهل سنت را دشمن اصلی خود می‌دانند نه یهودیان، صلیبیون و یا مرتدین را، از سوی ایرانیان، عراقی‌ها، لبنانی‌ها و دیگر رافضی‌های زمان ما که دین آنها علاوه بر پرستش مردگان و اشکال دیگر کفر و شرک (نیست) تأیید و حمایت می‌شوند» (Ibid: 12).

مورد توجه زرقاوی، به شکاف میان شیعه/ سنی محدود نبود، بلکه هدف او پیروی همه مسلمانان اعم از پیروان مذاهب مختلف اهل سنت، از تعالیم سلفی بود. به زعم زرقاوی، «خلافت میسر نخواهد شد مگر آنکه جامع مسلمانان گرد یک کتاب و سنت جمع شوند با درک سلفیان فارغ از خوارج و مرجئه» (Dabiq, 1435, no 1: 34). از دید داعش، مسلمانان حتی پیروان مذاهب اهل سنت، یا سلفی‌اند و به داعش می‌پیوندند، یا آنکه با حکومت عراق و اشغالگران آمریکایی همراه‌اند. فرقی هم نمی‌کند که این افراد در غرب باشند یا در ممالک اسلامی. هدف داعش و جهادگرایان انهدام منطقه خاکستری<sup>۱</sup> است، منطقه‌ای که افراد بتوانند مواضع خود را بین دو طرف، مخفی نگه دارند و از پیوستن به جبهه مقابله با صلیبی‌ها و حامیان منطقه‌ایشان خودداری کنند. از نظر داعش، هر یک از رویدادهایی مانند انهدام برج تجارت جهانی، بهار عربی، تسخیر نواحی شام، حرکت در جهت انهدام منطقه خاکستری عمل کرده است (Dabiq, 1436, no 7: 54-55). مواضع داعش در جداسازی صف مسلمانان اهل سنت از خود، زمانی آشکارتر شد که اختلافات میان متحدان جهادی در سوریه بالا گرفت و صف النصره و برخی دیگر از گروه‌های جهادی (به تعبیر داعش: صحوه) از گروه دولت اسلامی جدا گردید. در نظر داعش، «این جدایی به تفکیک سرزمین‌ها منجر شد و مجاهدین به عین دیدند که خوف از دست دادن قدرت و تأثیرگذاری، رهبران پیشین‌شان را به سوی منطقه خاکستری راند، تا آنجا که مجبور به حمایت از منافع سکولارها، ناسیونالیست‌ها و گروه‌های مرتدی شدند که به نیابت از صلیبی‌ها و رژیم‌های مرتد عربی به جنگ علیه گروه دولت اسلامی روی آوردند (Dabiq, 1436, no 7: 57).

در مقابل، تأکید داعش بر هم‌سنخی گروه‌هایی از اهل سنت که به جنگ در صف داعش پیوستند، تردیدی به جا نمی‌گذارد که از دید داعش، صف‌بندی هویتی، واجد ویژگی سیاسی است، نه اعتقادی. به زعم داعش، پیوستگان کسانی‌اند که از کفر و ارتداد نجات می‌یابند. در مقدمه گزارشی از دایق مبنی بر پیوستن گروه‌های خاکستری به صف داعش، آمده است: «طوفان عراق کار مجاهدین نبود بلکه یاری خداوند بود که نه تنها دشمنان اسلام را مقهور ساخت بلکه هزاران مرتد را از راه کفر و نفاق نجات داد. آنچه در ادامه خواهید دید نمونه‌هایی از پیوستن نیروهای دولتی و نیروهای نظامی عراق به دولت اسلامی است...» (Dabiq, 1436, no 1: 48).

بدینگونه داعش برای تعریف و مشروعیت بخشیدن به هویت مطلوب گروه، مفاهیم کلیدی کفر، شرک و ارتداد را - که همگی در جهان‌بینی توحیدی اسلام، حول محور توحید و ایمان به وحدانیت خداوند، معنا می‌شوند- به برجسب‌هایی تبدیل می‌کند و از آن برای تهدید، مقابله و سرکوب کسانی

۱. Grayzone

بهره می‌گیرد که در منطقه خاکستری بین آمریکا و متحدان / گروه‌های تروریستی قرار گرفته‌اند. جرم اصلی آنها نه همکاری با آمریکا و غرب، بلکه عدم حمایت از جهادگرایی است که آموزه‌های اسلامی را به سلاحی مرگبار علیه مسلمانان و غیرمسلمانان بی‌گناه تبدیل می‌کنند.

#### ۴- الگوی رفتاری داعش و تعالیم اسلام

تردیدی نیست که اکثریت اعضای گروه دولت اسلامی از متن توده‌های مسلمان ساکن در سرزمین‌های اسلامی و عربی برآمده‌اند و تأکید رهبران گروه بر اجرای شریعت اسلامی در هماهنگی با خواست عمومی اعضا و توده‌های مسلمان منطقه مطرح می‌شود. عدم اهتمام نظام‌های سیاسی در کشورهای عربی به اسلام، مهم‌ترین عامل اقبال جوانان عرب به جنبش‌های اسلامی نظیر اخوان المسلمین و رویکرد به جنبش‌های مسلحانه بوده است. در تمام دوره‌ای که جنبش‌های اعتراضی و جهادی اعراب رو به اوج بود، مهم‌ترین دغدغه جهادگرایان، پاسخ‌دادن به شبهاتی بود که رویکرد جهادگرایان را در انطباق با بنیادهای معرفتی اسلام به چالش می‌کشید. از نویسندگانی چون محمدرشید رضا و حسن بنا، تا ابوعلی مؤدودی و سید قطب، مهم‌ترین رسالات خود را در لزوم انطباق مطالبات اجتماعی و نحوه برآورده ساختن آن در چارچوب اسلام به رشته نگارش درآورده‌اند. در این میان، سید قطب حتی به دورنمایی فراتر از اجرای شریعت اسلامی چشم دوخته، معتقد بود: «تجدید حیات اسلام تنها با قانون‌گذاری و تعیین نظام پی‌ریزی شده بر اساس طرز فکر اسلامی امکان‌پذیر و عملی نمی‌گردد. این یکی از دو رکنی است که اسلام در پایدار داشتن زندگی همیشه به آنها تکیه دارد. اما رکن دوم آن است که یک تفکر مملو از روح اسلامی به وجود آید تا گام‌های نخستین این زندگی نو، از درون نفس برداشته شود» (قطب، ۱۳۷۹: ۲۸۱).

تلاش‌های چشم‌گیر قطب، برای تبیین اوضاع جامعه اسلامی از خلال تأمل در عدالت اجتماعی و حکومت صدر اسلام که او را به طرح ضرورت حکومت اسلامی راهنمایی کرد (سوزنگر، ۱۳۹۰)، در هماهنگی با خواست عمومی جامعه در بازگشت به مبانی اسلام صورت گرفت. طی دهه‌های گذشته در مواجهه با تفرق و تشتت کشورها و سیاستمداران عرب، خواست بازگشت به مبانی اسلام در میان بخش عظیم توده‌های عرب، چنان نیرومند است که جنبش جهادی به محض فاصله‌گرفتن از آن مشروعیت و پشتیبانی توده‌ها را از دست خواهد داد. به همین دلیل، بخش مهمی از رسالات، بیانیه‌ها و برنامه‌های تحلیلی و تبلیغاتی گروه‌های جهادی به پاسخ‌هایی با هدف دفع شبهات مبنی بر انطباق اعمال و رفتار گروه با مبانی اسلام اختصاص یافته است. به عنوان نمونه، نامه‌های زرقاوی به

بن‌لادن عمدتاً درباره چرایی رویکرد گروه به عملیات انتحاری علیه شیعیان و تخریب بناها و بقاع مقدسه نوشته شده است؛ یا حجم قابل توجهی از یادداشت‌ها در نشریات گروه دولت اسلامی، در پی توجیه انطباق عملکرد آنان در قبال ایزدی‌ها و غیرمسلمانان حتی پیروان مذاهب اسلامی است.

انطباق الگوهای رفتاری داعش با مبانی معرفتی اسلام، تاکنون از سوی بسیاری از نهادهای اسلامی مورد پرسش قرار گرفته است. بسیاری از علمای جهادی و سلفی، حتی از درون طیف القاعده، نسبت به عملکرد داعش و مشروعیت رفتار آن انتقاد کرده‌اند (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۱-۴۶). با توجه به رفتاری که در طول یک دهه گذشته از گروه دولت اسلامی (داعش) سر زده است، به نظر می‌رسد انطباق الگوهای رفتاری داعش با مبانی اسلام را از چند محور می‌توان به پرسش گرفت و نقد کرد، نقدی که بیشتر معطوف به بنیادهای معرفتی ناظر بر عملکرد گروه است، تا مبانی اعتقادی صرف. مثلاً به جای آنکه درک گروه از توحید در چارچوب یک بحث صرفاً کلامی بررسی شود، بر چارچوب معرفتی ناظر بر ترسیم مرز میان مسلمان و غیرمسلمان اعم از کافران، مشرکان و مرتدان و نحوه خاص استنباط از مبانی اسلام برای مجازات غیرمسلمان متمرکز خواهد شد.

پیش از بررسی انطباق بنیان‌های ناظر بر الگوهای رفتاری داعش با مبانی اسلام، ابتدا به چند ویژگی مهم گروه دولت اسلامی اشاره می‌شود:

۱. اعضای اصلی رهبری داعش، بیشتر از میان کسانی‌اند که در درگیری با نیروهای اشغالگر و دولت مرکزی عراق تجربه اندوخته‌اند و از چنان تحصیلات مذهبی بهره‌مند نیستند که بتوان آنان را در ردیف چهره‌های مذهبی یا علما قرار داد؛ برعکس، تاکنون بعد مذهبی شخصیت این افراد مورد تأیید هیچ‌یک از علمای اهل سنت قرار نگرفته است؛

۲. تدوین‌کنندگان لیدئولوژی داعش اغلب نیروهای جهادی هستند که بخش مهم آموزش‌های دینی و ایدئولوژیک خود را در اردوگاه‌های سلفی — وهابی، مانند مراکز القاعده فراگرفته‌اند<sup>۱</sup> و بخشی از تعالیم اسلام را که جنبه کاربردی دارد و در نگاه گروه قابل تبدیل به دستورات عملیاتی است، بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند؛

۳. گروه دولت اسلامی، تحت تأثیر جهادگرایانی که متأثر از تجارب نظامی (بعثی) یا بین‌المللی‌اند، بسیاری از رفتارهای خود را (برگرفته از الگوها و مکاتب دوران مدرن) در واقع

<sup>۱</sup>. برای نمونه در شماره ۱۲، نشریه دابق، در توصیف نویسنده یکی از مقالات با عنوان: توصیه به مجاهدین: گوش کنید و اطاعت کنید، آمده است: «نویسنده این مقاله وقت کافی برای کسب دانش و آموزش نداشت، اما به جای آن رهبری نبرد علیه سلول بر عهده داشت» (Dabiq, 1437, no 12: 9).

اسلامی وانمود می‌کند، بدون آنکه برگرفته از مبانی اسلام باشد. بر پایه این ملاحظات، می‌توان مبانی ناظر بر الگوی رفتاری داعش را با اسلام سنجید. داعش در موضوع نشانه‌های اسلام و کفر، برگشتن از دین یا ارتداد، اهداف و روش‌های جهاد، رویکردی را در پیش گرفته است که با نگرش اکثریت مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت، در تعارض است. به نظر می‌رسد رویکرد داعش و گروه‌های جهادی در موضوعات گفته‌شده ناشی از تلقی خاص آنها از برخی مفاهیم و اصول دین اسلام است که در زیر مورد اشاره قرار گرفته است.

۴-۱. **اجتهاد و نحوه استنباط احکام از قرآن و سنت نبوی:** گروه دولت اسلامی در مبحث اجتهاد، از روش سلفیه پیروی می‌کند.<sup>۱</sup> در رویکرد سلفیه با تأکید بر حدیثی از رسول اکرم (ص)، «خیر القرون قرنی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم...» (بهترین مردم، مردم زمان من هستند، سپس مردمی که پس از آنان می‌آیند، سپس مردمی که بعد از آن گروه می‌آیند.) (صحیح بخاری، نقل در: دانشنامه کلام اسلامی)، فرض بر آن است که صحابه و تابعان، بی‌کم و کاست از سنت رسول گرامی اسلام (ص) پیروی می‌کردند، لذا روش آنان بسط روش نبوی تلقی می‌شود. صحت تلقی مزبور با پرسش‌های مختلفی مواجهه است: نخست، تصور می‌شود معنای دقیق «قرن» در حدیث، با صد سال انطباق پیدا نمی‌کند و برخی نویسندگان قدیم مانند ابن منظور در «لسان العرب»، ابن اثیر در «النهایه» و دیگران، آن را در معنای متفاوتی به کار برده‌اند (صحیح بخاری، نقل در دانشنامه کلام اسلامی)؛ دوم، اگر قرن را به معنای صد سال در نظر گرفته، امر تقلید به همان مذاهب چهارگانه حصر شود، آنگاه تکلیف شمار کثیر مسلمانانی که در آن سه قرن از مذاهب کلامی — فقهی دیگری پیروی می‌کردند، چه می‌شود؟ در حالی که متن حدیث، نه چهار مذهب فقهی، بلکه مسلمانان آن دوره را مورد توجه قرار می‌دهد؛ سوم، در همان سه قرن، جملگی صحابه و تابعین با یکدیگر هم‌رأی و هم‌نظر نبودند و اختلاف میان آنان امری طبیعی بود؛ چهارم، فهم و درک ائمه شیعیان (به ویژه امام ششم علیه السلام) نیز بخشی از فهم و درک مسلمانان در سه قرن اول بوده است، چگونه می‌توان فهم آنان را از دایره فهم و درک رسمی بیرون گذاشت؟ پنجم، اگر فهم و درک صحابه و تابعان می‌تواند ذیل سنت پیامبر گرامی اسلام راهنمای عمل باشد، چرا فهم و درک علمای دوره‌های بعدی را نتوان ذیل سنت نبوی راهنمای عمل قرار داد؟ ششم، بر اساس کدام معیارها و موازین

---

۲. مرحوم آغا بزرگ طهرانی می‌نویسد: در این مدت طولانی مسلمانان بی‌شماری که جز خدا تعدادشان را نمی‌داند، جزو امت اسلامی و گروه مسلمین بودند، بی‌آنکه به مذهبی از مذاهب چهارگانه معتقد و عامل باشند؛ مخصوصاً در قرن اول و دوم که اصلاً نام این مذاهب رسمی را هم نشنیده بودند (طهرانی، تاریخ حصر الاجتهاد، ص ۱۰۲، نقل در: خان صنمی و خان صنمی، ۱۳۹۱: ۵۳-۵۴).

می‌توان صحابه و تابعان را شناسایی و تعریف کرد، یا سلف صالح را از سلف ناصالح بازشناخت؟ و ... (دانشنامه کلام اسلامی).

گرچه رویکرد سلفیه به واسطه تأثیرگذاری بر جنبش‌های جهادی در مبارزه با استعمارگران و اشغالگران، در میان اهل سنت با اقبال فراوانی همراه است، اهل سنت از نظر اعتقادی در طیفی میان اشعریه تا سلفیه گسترده‌اند (دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۰: ۴۷۵)، بنابراین، همان‌طور که جریان سلفی بخشی از اهل سنت را پوشش می‌دهد، بخش کوچک‌تری از اهل سنت، با رویکرد جهادگرایان سلفی همراه‌اند.

انتقاداتی که درباره نگاه سلفیه به تاریخ صدر اسلام مطرح گردید، درباره روش و نگرش داعش به اسلام نیز وارد است. همان‌طور که گفته شد تدوین‌کنندگان نظریات داعش درباره اسلام و سلفیه، اغلب فاقد آموزش‌های سطوح عالی اسلامی‌اند و در مقایسه با علمای سلفی، به شیوه نازل‌تری آموزه‌های سلفی را به کار می‌برند. اجتهاد نزد سلفی‌ها اغلب در معنای انطباق شرایط و موقعیت‌های امروز با صدر اسلام صورت می‌گیرد و در شرایطی که هیچ‌یک از علمای سلفی تاکنون ایزدی‌ها را کافر نخوانده و حکم به رفتاری مشابه مشرکان با آنان نداده است، از دید گروه دولت اسلامی، عقبه ایزدی‌ها به دوران جاهلیت پیش از اسلام بازمی‌گردد، همان‌طور که آنان خود هرگز ادعا نمی‌کنند که به دین اسلام درآمده‌اند، ضمن آنکه «خاستگاه این دین به مجوسان ایران باستان می‌رسد که در پی آمیزش با عقاید صابئی، یهودی و مسیحی در نهایت اصطلاح بدعت‌آمیز تصوف افراطی به آنان اطلاق شده است» (Dabiq, 1436, No 4: 14). لذا در نظر داعش، آنان نه اهل کتاب‌اند تا بتوانند با پرداخت جزیه در میان مسلمانان به سر برند، نه مرتد زیرا بازمانده پیش از اسلام‌اند، بنابراین، با آنان به مثابه مشرکان برخورد کردند. «بعد از اسارت، زنان و کودکان ایزدی بر طبق شریعت بین مبارزین دولت اسلامی که در جنگ سنجار شرکت داشتند، تقسیم شدند و یک پنجم بردگان نیز در سایر حوزه‌های دولت اسلامی به عنوان خمس توزیع شدند.» (Dabiq, 1436, No 4: 15). همان‌طور که از توضیحات برمی‌آید سران داعش، خود را در شرایطی می‌بینند که می‌توانند شرایط ایزدی‌ها را در صدر اسلام بازسازی کنند و حکم آنان را از خلال رفتار دوره صدر اسلام با مشرکان بازیافته، به اجرا درآورند. در حالی که، چنین حکمی از سوی هیچ‌یک از علمای سلفی (عالمان مذاهب چهارگانه اهل سنت) صادر و برای اجرا به دولت پیشنهاد نشده بود.

رویکرد دیگر داعش که موجب تنزل نگاه سلفی است، توسعه دایره نگاه علمای سلفی و منابع روایی آنها از صحابه و تابعان سه قرن اول به ابن تیمیه و شاگردان او مانند ذهبی (م ۷۴۸ ق)، ابن قیم (م ۷۵۱ ق)، ابن کثیر (م ۷۷۴ ق) و حتی ابومصعب زرقاوی است.

در نشریات داعش، زرقاوی که اغلب با پیش‌واژه «امام» و پس‌واژه «رحمه الله» از او یاد می‌شود، همان جایگاهی را داراست که بزرگان حدیث در منابع اهل سنت دارند. برای نمونه قول زرقاوی درباره خیانت چنین است: «ابو مصعب زرقاوی گفت: از حالا به بعد هر کسی که با گارد کافر، پلیس و ارتش همکاری کند، یاری و جاسوسی او برای مسیحیان ثابت شده است و حکم او اعدام است و نه تنها اعدام بلکه بعد از مرگ زن و فرزندش، خانه‌اش ویران و سوزانده خواهد شد.» (Dabiq, 1436, No 3: 12). در متن نقل شده، گارد کافر، پلیس، ارتش به مأموران مسلمان دولت عراق اشاره دارد که از سوی رهبری جهادی، کافر خوانده شده است. در ادامه نوشته به فرآیند کافر سازی مسلمانان در نظر داعش می‌پردازیم.

۲-۴. **مرزبندی اسلام و کفر:** هم‌چنان که دیدیم، داعش باب اجتهاد را بسته نمی‌داند و با توسعه منابع حدیث از صحابه و تابعان به ابن تیمیه و پیروان، به گونه‌ای بدعت‌آمیز و دلخواه شرایط امروز را با شرایط گذشته همسان القا می‌کند تا به آسانی بتوانند حکم مطلوب خود درباره موضوع روز را در انطباق با وقایع صدر اسلام بازسازی نمایند. مهم‌ترین کاربرد این شیوه نزد داعش، مرزبندی اسلام و کفر است، رویکردی که در اصطلاح سلفی‌های وهابی، تکفیر نامیده می‌شود.

در یکی از گزارش‌های دابق، با عنوان «نقشه راه: از هجرت تا خلافت»، شگرد اصلی گروه در زمینه‌سازی برای تکفیر به خوبی تشریح شده است. در جریان مبارزه با اتحاد شوروی، گروه‌های جهادی در افغانستان دریافتند که «احزاب با زمینه‌های فکری گوناگون با دشمن مشترک می‌جنگیدند، در حالیکه از موضوعات دیگری که از یکدیگر متمایزشان می‌ساخت غافل بودند، حتی اگر این موضوع مانعی به سمت خلافت بود» (Dabiq, 1345, No 1: 34). غرض اصلی داعش از طرح موضوع خلافت از زبان زرقاوی (اعضای گروه دولت اسلامی فاقد تجربه جهاد در افغانستان بودند)، ضرورت احراز سرکردگی یا هژمونی است، زیرا در نظر زرقاوی و گروه دولت اسلامی، خلافت بدون گردآمدن مسلمانان به دور «یک کتاب و سنت» با «درک سلفیان فارغ از خوارج و مرجئه» میسر نخواهد شد (Dabiq, 1345, No 1: 34). ولی زرقاوی و پیروان او در افغانستان قادر نبودند سرکردگی مبارزه را در دست گیرند، بنابراین، با حرکت به عراق، این امکان فراهم شد تا با طرح ایده خلافت اسلامی، القاعده را دور زده و خود سرکردگی مبارزه را در اختیار گیرند. برای اجرای این پروژه، زرقاوی ناگزیر بود تا جهت مبارزه را از رویارویی با آمریکا به سوی داخل عراق

تغییر دهد. در عراق، نیروهای آمریکایی دور از دسترس جهادگرایان بودند و زرقاوی نمی‌توانست ضربه‌ای به آنان وارد کند، اما با ضربه‌زدن به منافع و امکان شیعیان، می‌توانستند هرج و مرج و ناامنی را در عراق گسترش دهند. زرقاوی «برای رسیدن به حداکثر بی‌نظمی بر سلاح‌های مؤثر جنگی مجاهدین مانند بمب‌گذاری خودروها، حرکات استشهادی و ... تمرکز کرد.» (Dabiq, 1345, No1: 34) در کنار آن، زرقاوی «گروه‌های مرتد را مجبور ساخت وارد جنگ با اهل سنت در عراق شوند. بنابراین، وی نیروهای مرتد عراقی [اهل سنت عراق] رافضی‌ها [شیعیان] و کردها [اتحادیه کردستان] را هدف قرار داد (Dabiq, 1345, No 1: 371).

زرقاوی و گروه دولت اسلامی برای مشروعیت بخشیدن به جنگ با مسلمانان اهل سنت و شیعه، به موازات آنکه با ضربات تاکتیکی مداوم آنان را وادار به واکنش کردند، کوشیدند تا عقاید آنان را نیز در تقابل با اسلام قرار دهند. بنابراین همان روندی را به کار بستند که تحت عنوان رویکرد استنباطی از منابع سلف گفته شد. اما، سنت اسلامی به ویژه در رفتار و منش رسول گرامی اسلام (ص)، عاری از هرگونه شائبه‌ای در مرتد نامیدن مسلمانان است، پس چگونه می‌توان با الگوبرداری از روش پیامبر اسلام، مسلمانان را از جرگه اسلام دور ساخت؟ در واکنش به این سوال، داعش مفهوم منافق را به گونه‌ای مطرح می‌کند که نخست، فراتر از دلالت مفهومی آیات مربوط به نفاق در قرآن است؛ و دوم، به جای آن که نفاق را به فرد نسبت دهد، کل اعضای گروه یا شعبه مذهبی را مصداق نفاق معرفی می‌کند.<sup>۱</sup>

در فرازهای مختلف از قرآن مجید، منافق و نفاق آمده است. منافقان همواره در کار دسیسه و فتنه علیه رسول خدا (ص) و پیروان او هستند. قرآن منافقان را دروغگو، مکار و حيله‌گر می‌نامد، «اتخذوا ایمانهم جنه فصدوا عن سبیل اللّٰه انهم ساء ما کانوا یعملون»، سوگندهای (چون) سپری بر خود برگرفته، پس (مکلفان را) از راه خدا باز داشته‌اند. به راستی که آنان چه بد می‌کرده‌اند. (منافقون، ۲). به زبان ایمان آورده، به دل کفر می‌ورزند و هنگامی که برایشان گفته شود: بیایید تا پیامبر خدا برایتان پوشش بخواهد، سرهای خود را می‌گردانند و آنان را می‌بینی که متکبران (از راه خدا) باز می‌دارند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>. منافق دانستن کل شیعیان از سوی زرقاوی و گروه دولت اسلامی با انتقاد ایمن الظواهری، رهبری القاعده روبرو شد، ظواهری تکفیر جناح‌ها را مقاومت در برابر اساس شریعت می‌داند و قائل به آن است که در صورت لزوم افراد را می‌توان تکفیر کرد، نه جناح، صنف یا همه پیروان یک مذهب را. ظواهری تأکید می‌کند: «به نظر من افسران فعال گروه ضد فعالیت مذهبی امنیت ملی و مانند آنها که مسلمانان را بازرسی و شکنجه می‌کنند باید شخصاً تکفیر شوند». این دیدگاه با نظر داعش سازگار نیست، از این رو، در نقد نظر ظواهری مبنی بر مخالفت با «برخی قوانین مربوطه میان جناح و افراد» می‌نویسد: «این اختلافات بر خلاف اجماع سایر گروه‌های سلفی در مورد تکفیر برای حفاظت از حرم‌ها و ساختمان‌های مذهبی است» و در ادامه آمده است: «ظواهری نه اسلامگراها و نه رافضی‌های مجوس را تکفیر نمی‌کند» (Dabiq, 1436, no 6: 20). نکته عبرت‌آموز آنکه داعش به دنبال یک دهه تحریف آداب شیعیان در زیارت بقاع متبرکه و شرکت‌آمیز قلمداد کردن آن، در اینجا، موضوع حفاظت از امکان شریف را مطرح می‌کند!

<sup>۲</sup>. اذا قیل لهم تعالوا یتستغفروا لکم رسول اللّٰه لووا رؤسهم و رایتهم یصدون و هم مستکبرون (منافقون: ۵).

منافقان می‌گویند: به کسانی که نزد پیامبر خداوند انفاق مکنید تا (از گردش) پراکنده شوند حال آنکه تمامی گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از خداست ولی منافقان در نمی‌یابند.<sup>۱</sup>

مفهوم انفاق، معیار کلیدی داعش در بسط مفهوم نفاق و انطباق آن با گروه‌ها و مذاهب اسلامی است. داعش انفاق را به معنای مساعدت و یاری همه‌جانبه به مبارزان گروه دولت اسلامی اراده می‌کند و امساک در آن را صفت ستمکاران از روی کفر می‌داند.<sup>۲</sup> گروهی با حصر مفهوم ایمان در اظهار به وحدانیت خدا و خارج ساختن اعمال از تعریف آن، عملاً در برابر رأی اصحاب سلف قرار گرفتند که عدم تسلیم در برابر خداوند را متعارض ایمان می‌دانستند. از نظر داعش، ترک نماز، زکات، روزه و حج، چنانچه آگاهانه و بدون غفلت باشد، کفر است و صحابه در این نکته توافق داشته‌اند (Dabiq, 1437, no 8: 43). گرچه علمای مذاهب اسلامی در شرایط ایمان و کفر، آنگونه که داعش ادعا می‌کند اختلاف نظر دارند، می‌توان پرسید داعش از طرح این نکات به دنبال چه هدفی است؟ و چگونه می‌توان به پای‌بندی عملی فردی که اظهار ایمان کرده است، پی برد؟ داعش از میان چهار اصلی که مدعی است بعد از شهادتین، عمل به آنها واجب است، بر نماز و زکات تأکید بیشتری دارد. صحابه در این موضوع اجماع دارند «که ترک نماز ارتداد است و قبایلی که زکات ندهند مرتد هستند» (Dabiq, 1437, No 8: 44). اگر ترک شهادتین کفر و ارتداد است، آیا برداشتن تأکید از روی حج، اجتهاد نظر شخصی، خلاف رأی سلف نیست؟ داعش پیش‌تر به این شبهه اینگونه پاسخ می‌دهد، آنجا که تأکید می‌کند: «صحابه به صراحت توافق داشتند که ترک نماز کفر بزرگ است و همین‌طور، سه رکن دیگر» یعنی زکات، روزه و حج، «اختلاف نظر در میان علمای بعدی در مورد حکم کسی است که یکی از این سه را ترک کند و خدا بهتر می‌داند» (Dabiq, 1437, No 8: 43).

زکات در دستگاه خلافت داعش، رکن اصلی تأمین منابع و توزیع آن میان اعضای گروه است. اهمیت زکات به اندازه‌ای است که نشریه دابق از وزارت زکات (دیوان) خبر می‌دهد.<sup>۳</sup> از این رو، با ارجاع به آموزه‌های سلفی روی‌گردانی از پرداخت زکات را به شدت عقوبت می‌کنند. داعش در مواجهه با ایزدیان با استناد به آیه ۵ سوره توبه<sup>۴</sup>، شرط رها کردن آنها را توبه کردن، نماز گزاردن و پرداختن زکات می‌داند (Dabiq, 1436, no 4: 14)، وگرنه با مرگ و اسارت بدرقه خواهند شد.

<sup>۱</sup>. هم الذين يقولون لاتنفقوا علی من عند رسول الله حتی ینفصوا و لله خزائن السموات و الارض ولكن المنافقین لایفقهون (منافقون: ۷).

<sup>۲</sup>. بگو: اگر شما مالک گنجینه‌های رحمت پروردگار باشید، در این هنگام از ترس نابودی (آنها)، قطعاً امساک می‌ورزید و (نوع) انسان همواره بخیل است. (اسرا: ۱۰۰).

<sup>۳</sup>. The Zakah Ministry (Divan) (See: Dabiq, 1435, no 2: 36).

<sup>۴</sup>. آیه ۵ سوره توبه، یکی از پرکاربردترین آیات قرآن در گفتارها و نوشته‌های داعش است و در همه آنها بر اهمیت زکات تأکید شده است.

ارکان حاکمیت داعش در شهرهای موصل، رقه و سایر نواحی به اشغال درآمده، در برگزاری اجباری نماز، جمع‌آوری زکات، تأسیس حسبه برای امر به معروف و نهی از منکر، تحمیل جزیه و اجرای حدود خلاصه می‌شود. (Dabiq, 1436, no 10: 51).

چنین رویکردی به احکام اسلامی، در شهرهای اشغالی توجه عمومی را به این نکته جلب می‌کند که هدف گروه دولت اسلامی از برپایی شریعت اسلامی چیزی نیست جز استفاده ابزاری برای به دست آوردن منافع بیشتر، سرکوب مردم و تداوم سلطه بر مردمانی که سرنوشت آنها در ادوار پرادبار خاورمیانه رقم خورده است.

۳-۴. **جهاد:** با بررسی محدود دیدگاه داعش دربارهٔ اجتهاد و تقسیم‌بندی اسلام و کفر، در سومین فراز به چگونگی تبیین جهاد نزد داعش و میزان انطباق آن با اسلام می‌پردازیم. نگرش داعش به جهاد، تلفیقی از دیدگاه‌های نوسلفی در لزوم مبارزه با نیروهای اشغالگر و الگوی رفتاری وهابیون ملهم از تعالیم ابن تیمیه در خدمت استراتژی شبه‌نظامی عملگراست. زیرا حتی اگر دیدگاه سید قطب دربارهٔ جهاد را مبنای مقایسه نگرش داعش و انطباق آن با اسلام به روایت سلفی قرار دهیم، باز هم فاصلهٔ پرشدنی میان آنها خواهیم یافت. سید قطب، جهاد را برآیند درک رسالت عظیم دینی می‌دانست و در پاسخ به کسانی که لزوم اقدام به جهاد و ستاندن جزیه از نامسلمانان را نفی می‌کردند، می‌گفت: «اعلانی است که معنایش سوزاندن و از بین بردن مملکت بشری است برای اقامهٔ مملکت خدا در روی زمین» (سوزنگر، ۱۳۹۰: ۳۹۰)؛ و هدف نهایی جهاد را تحقق بخشیدن به رستگاری و خیر بشریت، نه یک ملت، نژاد یا فرد؛ واقعیت بخشیدن به نمونه‌های عالی اخلاقی انسانی؛ امنیت برای مردم و نجات دادن آنها از فشار، ترس، ستم و زیان؛ و برقرار ساختن عدالت مطلقه در سراسر عالم می‌دانست. با آنکه ریشه‌های نظری تکفیر و طرد دیگری در اندیشه‌های سید قطب، آشکار است، اما تا زمانی که سادات در مذاکره با کارتر و بگین، معاهدهٔ صلح کمپ دیوید را امضا نکرده بود، جهادگرایان مسلمان، هیچ‌یک از زمامداران سیاسی کشورهای اسلامی را تکفیر نکرده بودند. از این رو، نحوهٔ نگرش داعش به جهاد که با تکفیر مسلمانان ناهمسو با آنها، به‌ویژه شیعیان تقویت می‌شود؛ با دیدگاه‌های سید قطب و آموزه‌های سلفیه معتدل (غیر متأثر از وهابیت) همخوانی ندارد. در اندیشهٔ سید قطب، کشاندن مسلمانان با دسیسه و نیرنگ به مهلکهٔ مقابله؛ مرتد دانستن آنها به خاطر آداب، مناسک و شعائری که در طول تاریخ هزار ساله گذشته در

جهان اسلام شناخته بود و همواره با مدارا و تسامح پذیرفته می‌شد<sup>۱</sup> و جابجایی اولویت مبارزه با دشمن بیگانه با مسلمانان ناهمسو جایی نداشت.

گذشته از ناهمخوانی دیدگاه داعش با عقاید سید قطب، دیدگاه داعش دربارهٔ جهاد با دریافت القاعده و دیگر گروه‌های جهادی عراق و شام از اصول اسلامی نیز منطبق نیست.<sup>۲</sup>

نظریهٔ جهادی داعش با روایتی از اسلام منطبق با منابع سلفیه آغاز می‌شود که در آن رویکرد کلی جهاد ذیل مفاهیم چهار وجهی جماعت، امامت، هجرت و خلافت تبیین می‌شود، اما بر بستر چنین روایتی، داعش جهاد را چونان یک استراتژی مبارزه برای کسب هژمونی و اعمال سلطه سیاسی دنبال می‌کند. مطابق دیدگاه اخیر، که به نظر می‌رسد متأثر از آموزه‌های استراتژیست‌های نظامی ارتش بعثی و حزب بعث باشد، جهاد نه در خدمت برقراری خلافت، بلکه تداوم بخش سلطه و هژمونی گروه دولت اسلامی در خدمت اهداف منطقه‌ای است. در چارچوب همین استراتژی است که داعش مدام از کشاندن بی‌طرف‌ها به فاز دوقطبی مبارزه و ضربه زدن به شیعیان برای وارد کردن آنان به اقدامات تلافی‌جویانه و بهره‌برداری از اقدامات آنان در جهت کسب مشروعیت و حمایت بیشتر از میان اهل سنت دم می‌زند. تلفیق این دو رویکرد در نظریه جهادی داعش شکاف آن را با مبانی معرفتی اسلام به روشنی آشکار می‌کند.

از منظر آموزه‌های قرآنی، جنگ با مسلمانان، - هرچند ناهمسو - نهی شده است. قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا»<sup>۳</sup> (نسا، ۹۴). بر اساس این آیه، کسی که اسلام آوردن خود را اعلام می‌کند، در سپهر امن جامعه اسلامی جای دارد. ضمن آنکه صرف مبادرت یک گروه یا جریان به برپایی حکومت یا خلافت اسلامی و اجرای شریعت اسلام، به او چنان مشروعیتی نمی‌دهد که در رأس جامعه اسلامی، پیروان سایر مذاهب را به ارتداد و نفاق و کفر محکوم کند.

---

<sup>۱</sup> دیدگاه‌های ابن تیمیه و شاگردان او مانند ابن قیم جوزی علیه آداب و عقاید تشیع را باید بر زمینه رویدادهای پس از حمله مغول و سقوط خلافت عباسی بررسی کرد و انگیزه‌های سیاسی مخالفت آنان را از دلایل مثبت به اعتقادات و استدلال‌های فقهی و کلامی جدا کرد.

<sup>۲</sup> برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: مصاحبه با ابوسمیر الاردنی، در شمارهٔ دهم نشریه دابق، صص ۷۶-۷۱ در پانوشته‌های این مصاحبه که به قلم سردبیر دابق نوشته شده، همهٔ گروه‌های ناهمسو مانند النصره، جیش الاسلام، جبهه اسلامی، جبهه شامیه و .. متهم‌اند که در جهاد به اهداف داعش خیانت کرده‌اند.

<sup>۳</sup> به کسی که (سویتان) تسلیم افکند (ادعای تسلیم و یا اسلام کرد) مگویید: تو مؤمن نیستی. (قرآن کریم، ترجمان صادقی تهرانی: ۹۴؛ کلیه برگردان‌های فارسی قرآن در مقاله حاضر، از همین ترجمان نقل شده است.)

## نتیجه گیری

از زمان شکل گیری گروه دولت اسلامی در عراق و اقدامات شبه نظامی این گروه در مناطق مختلف عراق و شام و داعیه برقراری حکومت اسلامی و اجرای شریعت، با رویکردی جنایتکارانه، سبوعانه و هولناک، انطباق آن با اصول و تعالیم عالیه اسلام همواره مورد توجه افکار عمومی مسلمانان و جهان بوده است. تأمل در نحوه شکل گیری گروه با حمایت تشکیلات القاعده، مجمع الطوایف عرب، نظامیان وابسته به ارتش سابق عراق و مهاجران عرب مسلمان از نقاط مختلف (کشورهای اسلامی، آسیای میانه، آفریقا و ...)، تحت نفوذ آموزه های سلفی، تجارب وهابیون، ایدئولوژی انترناسیونالیستی (عربی) حزب بعث، شاکله ترکیب پیچیده ای از دعاوی مذهبی، اهداف سیاسی و استراتژی منطقه ای را آشکار می کند که در هم پیوندی با بازیگران منطقه ای ایفای نقش می کند.

از نظر اعتقادی و دینی، نحوه صورت بندی داعش از اصول و احکام اسلامی، به گونه ای است که نشان می دهد داعش در پی همسان انگاری وقایع امروز خاورمیانه با دوران صدر اسلام و در نهایت همسان پنداری ابوبکر بغدادی با خلفای مسلمین و صحابه پراچ در نگاه اهل سنت است. فقط بر متن چنین همان گونه پنداری با اطمینان می توان از الگوی قضاوت سلفیه درباره دوگانه اسلام/ کفر، مسلمان/ منافق سخن گفت و احکام سلف را بر امروزیان جاری نمود. بدیهی است در اینجا با خودپنداره گروه از نقش سیاسی و منطقه ای روبرو هستیم، که در مواجهه با واقعیات تاریخی، سیاسی و موازنه نیروهای اثرگذار در منطقه تناقضات خود را آشکار می کند. بر اساس همین تناقضات، داعش از یک گروه جهادی درگیر در مقاومت با نیروهای اشغالگر، به یک بازیگر منطقه ای که توانسته است جهت جنگ نیروهای جهادی با اشغالگران را به سوی نیروهای منطقه ای تغییر دهد، تبدیل می شود.

از این دیدگاه، فقدان کنش اخلاقی منطبق با مکارم اخلاقی اسلام، بی رحمی در مواجهه با گروه های انسانی آسیب پذیر، نادیده گرفتن کرامت انسانی و به بردگی بردن آنها، طرد اقلیت های دینی از جامعه اسلامی و نادیده گرفتن صدها سال سابقه همزیستی آنان با مسلمانان، محورهای ناطبیتی الگوهای رفتاری داعش با اسلام را نشان می دهد.

هم چنین داعش از سلفیه مذهبی ساخته است که به درک و روایت های صحابه و تابعان سه قرن اول از اسلام و سنت نبوی محدود می ماند. اگر در نظر بگیریم که صحابه و تابعان اسلام را در

فضایی گفتمانی درک کرده و بازشناخته‌اند و مشارکت آنان در درک و فهم اصول و تعالیم اسلامی، آفاق معنایی اسلام را در قرون اولیه باز می‌نمایاند، بسته شدن باب درک و فهم علمای دوره‌های بعد، به معنای انسداد باب مشارکت و فربه‌ساختن اسلام در پیوند با زمان و منجمد کردن درک اجتهادی از اسلام است. شاید بتوان گفت بن‌بست داعش در انطباق الگوی رفتاری با اصول و تعالیم اسلامی و تأثیرپذیری آن از نحله‌های وهابی و بعثی، نتیجه نگرش ایستا و مقلدانه از درک صحابه و تابعان از سنت نبوی است.

## منابع

### قرآن کریم

ابراهیم‌نژاد، محمد (۱۳۹۳)، *داعش: دولت اسلامی عراق و شام، تحلیل و بررسی تاریخ و افکار*. قم، انتشارات دارالاسلام لمدرسه اهل‌البيت (ع).

امینی، عبدالحسین (۱۳۸۷)، *الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب: الفهارس الفنیه*، قم: مرکز الغدیر، مجلد ۳.

امینی، عبدالحسین (۱۳۸۷)، *الغدیر فی الکتاب و السنه و ادب*، ترجمه محمدتقی واحدی، زیر نظر علی‌رضا میرزاهممد، تهران: مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت، (ویرایش دوم)، جلد ۶.

آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۹۳)، *حزب بعثت، دانشنامه جهان اسلام*، جلد سوم، نشانی اینترنتی: <http://rch.ac.ir/article/Details/6841> (بازیابی: ۱۳۹۵/۸/۵).

جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه، چ اول.

خان‌صنمی، فاطمه و شعبانعلی خان صنمی (۱۳۹۱)، *بررسی زمان و تاریخ حصر مذاهب اربعه*، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال سوم، شماره ۷، صص: ۴۷-۶۲.

*دانشنامه کلام اسلامی*، به قلم گروهی از نویسندگان (بی‌تا)، سلفیه، دانشنامه کلام اسلامی، نشانی اینترنتی: <http://alwahabiyah.6m/fa/article/view/2334>: دسترسی در تاریخ: ۱۳۹۵/۸/۲۰.

*دایره‌المعارف بزرگ اسلامی* (۱۳۸۰)، اهل سنت، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، چ اول، صص: ۴۷۴-۴۷۵.

رضا، محمدرشید (۱۹۴۷ م)، *السنه و الشیعه*، قاهره: دارالمنار.

زریاب، عباس (۱۳۷۴)، *ابن تیمیه، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۳، صص: ۱۷۱-۱۹۲.

سوزنگر، سیروس (۱۳۹۰)، *سید قطب، در: اندیشه سیاسی متفکران مسلمان*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، جلد دهم، چ اول، صص: ۳۹۸-۳۶۱.

عنایت، حمید (۱۳۵۶)، *سیری در اندیشه سیاسی عرب*، تهران: امیرکبیر، چ دوم.

- قطب، سید (۱۳۷۹). *عدالت اجتماعی در اسلام: مباحثی در زمینه جامعه، اقتصاد، سیاست و حکومت*. ترجمه محمدعلی گرامی و سیدهادی خسروشاهی. تهران، کلبه شروق و مرکز بررسی‌های اسلامی.
- الله‌بداشتی، علی (۱۳۸۶). *شناخت سلفیه: معناشناسی، تاریخچه پیدایش و تحولات آن*، میثاق امین، فصلنامه پژوهشی اقوام و مذاهب، شماره چهارم، صص: ۹۱-۱۲۸.
- مصطفی، حسن (۱۳۹۴). *داعش، زیرساخت‌های معرفتی*، تهران: آفتاب خرد، چ اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). *ده گفتار*، تهران: صدرا، چ هجدهم.
- موجانی، سیدعلی (۱۳۹۴). *ریشه‌های تجدید حیات خلافت اسلامی و تأثیر ژئوپلیتیک آن*، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی، چ اول.

Dabiq (1435), No 1 & 2,

Dabiq (1436), No 4 & 6 & 7 & 9 & 10.

Dabiq (1437), No 12 & 13.

Holes, C (2002), *Wahhabiyya, in: The Encyclopaedia of Islam*, New Edition, Leiden: Brill.

Nasr, Octavia (2006), Tape: *Bin Laden tells Sunnis to fight Shiites in Iraq*. In: Cnn international, July 2, [http://edition.cnn.com/2006/WORLD/meast/07/01/binladen.Message/index.html?section=cnn\\_latest](http://edition.cnn.com/2006/WORLD/meast/07/01/binladen.Message/index.html?section=cnn_latest)

*Encyclopedia Britanica, last updated: 5-31-2010*, available on nov t,2016, <http://www.britanica.com/event/sykes-picot-Agreement>.